

دود از هور



زینب مرزوقی خبرنگار گروه جامعه

تالاب هورالعظیم از آخرین تالاب‌های بازمانده بین‌النهرین است و ۱۲۷ هزار هکتار از آن در مرزهای ایران و ۳۰۰ هزار هکتار دیگر در عراق قرار دارد. حالا چندماه‌می می‌شود که بخش عراقی تالاب هورالعظیم، یعنی هورالهویزه و قسمتی از هورالعظیم در بخش ایران دچار خودسوزی شده است. طی سال‌های اخیر، هورالعظیم در فصل‌هایی که میزان بارش کاهش یافته، دچار آتش‌سوزی شده اما امسال درپی خشکسالی بی‌سابقه، کم‌آبی و خشکی گسترده ابتدا در بخش عراقی تالاب، آتش‌سوزی شدیدی ناشی از پدیده «خودسوزی» رخ داده است.
وقیع آتش‌سوزی در هورالهویزه، علاوه بر تهدید جدی برای گونه‌های جانوری و پوشش گیاهی، به دلیل وزش باد به سمت ایران، موجب آلودگی هوای شهرهای اهواز، هویزه، دشت‌آزادگان و حمیدیه شده است. به گفته ساکنان این شهر، دود و بوی نامطبوع ناشی از سوختن پوشش گیاهی تالاب باعث سوزش چشم، تنگی نفس و حالت تهوع در بین ساکنان این مناطق شده است.
بخش عراقی تالاب هورالعظیم در سال‌های اخیر به‌دلیل بی‌آبی، تأمین نشدن حقایه و کاهش بارندگی، دچار آتش‌سوزی‌های مکرر شده و تاکنون اقدام مؤثری از سوی دولت عراق برای رفع این مشکل صورت نگرفته است. دود آتش‌سوزی ناشی از سوختن هورالعظیم اکنون در چشم مردم خوزستان رفته و بیش از پیش آلودگی هورا را در شهرهایی مانند اهواز تشدید کرده است.
راه‌حل خاموش شدن این آتش‌سوزی‌ها رسیدن حقایه به بخش عراقی تالاب است؛ اما این امر نیاز به مذاکرات بیشتری دارد. اکنون باید دید سازمان محیط‌زیست کشور در دیپلماسی زیست‌محیطی همچنان منفعل عمل می‌کند یا در نهایت ساکنان خوزستان را از دود ناشی از سوختن هورالعظیم نجات خواهد داد.

بیش از ۹۹ درصد آتش‌سوزی‌ها در حوزه سرزمینی کشور دیگری اتفاق می‌افتد

موسی مدحجی، رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره کل حفاظت محیط‌زیست خوزستان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» توضیح داد: «در دو هفته اخیر، ما بیش از توان خود، برنامه‌ای سه‌جانبه را اجرا کردیم. این برنامه شامل اقدامات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است که به سازمان حفاظت محیط‌زیست منعکس شده است. آن‌ها نیز این برنامه‌ها را پیگیری کرده و به معاونت اول ریاست‌جمهوری منعکس کردند. ایشان با عنایت ویژه دراین خصوص، دستور اقدام به هشت دستگاه و سازمان را ابلاغ کردند تا اقدامات مندرج، با توجه به وظایف هر یک از دستگاه‌ها، صورت پذیرد. این اقدامات با هدف کاهش یا حذف دود و انجام اصلاحات بهینه صورت می‌گیرد. بیش از ۹۹ درصد آتش‌سوزی‌ها در حوزه سرزمینی کشور دیگری اتفاق می‌افتد. هرچند این اکوسیستمی یکپارچه است و یک‌سوم آن در ایران و دوسوم آن در عراق قرار دارد و آن کشور تالاب را در کنوانسیون رامسر و یونسکو ثبت کرده و تعهداتی دارد، اما شرایط آنجانیز چندان با کشور ما متفاوت نیست. آن‌ها با تنش آبی و خشکسالی درگیرند. از طرف دیگر اقدامات کشورهای دیگر در ۱۰ سال اخیر، مانند سوریه، ترکیه و خود عراق (با نسبت‌های کمتر) در زمینه سدسازی و انتقال آب، زمینه را فراهم کرده است. این اقدامات اثر تجمعی و انرژی‌زایی داشته که منجر به شرایط فرغین و مشکل ساز فعلی شده است.»

وزارت امور خارجه از طریق دیپلماسی رایزنی کند تا آب از رودخانه دجله وارد بخش عراقی تالاب شود

مدحجی در خصوص وضعیت آب این منطقه افزود: «بحث انتقال آب و سدسازی و تغییرات اقلیمی، گرمایش زمین و تنش‌های آبی که کل کشور ما را فراگرفته، در این وضعیت دخیل هستند. کشور ترکیه با وجود اینکه تعهداتی را از برنامه‌های خود از دست‌داده و بیشتر آن‌ها را اجرا کرده، پروژه گاپ (GAP) را آغاز کرده که شامل احداث بیش از ۲۲ سد روی درودخانه دجله و فرات است. حجم منابع آبی سدهای این کشور تقریباً ۳۶۰ برابر حجم کل سدهای ایران است. به‌عنوان مثال سد آتاتورک به تنهایی بیش از ۵۰۰ میلیارد متر مکعب آب ذخیره می‌کند، در حالی‌که سد کرخه با ۵۰٫۵ میلیارد متر مکعب، تنها یک‌دهم این میزان را ذخیره دارد. این برنامه توسط معاونت ریاست‌جمهوری ابلاغ شده و وزارت امور خارجه، وزارت نیرو، وزارت بهداشت، وزارت کشور، فراجا، استانداری خوزستان و سازمان هواشناسی هر کدام در حوزه اختیارات خود، باید اقدامات و وظایفی را بر اساس زمان‌بندی تعیین شده انجام دهند. در حال حاضر، معاون اول ریاست‌جمهوری و استاندار خوزستان پیگیر ارائه عملکرد دستگاه‌ها هستند. در رابطه با علاج بخشی این وضعیت، بهترین راه این است که وزارت امور خارجه از طریق دیپلماسی، رایزنی کند تا آب از رودخانه دجله وارد بخش عراقی تالاب شود، حتی اگر بتوانند آن بخش‌ها را مرطوب نگه دارند، کافی است.»

منشأ بزرگ آلودگی‌ها در غرب خوزستان که دوباره زندگی مردم را مختل کرده از کجاست؟

دود از هور



دما در هورالعظیم ۷۶ درجه سانتی‌گراد است

وی افزود: «حدود یک هفته پیش، گروهی از کشور عراق، شامل انجمن‌ها و دستگاه‌های مرتبط در منطقه و شهر المعمار، سفری به آن بخش داشتند. در آنجا شایعاتی مبنی بر اینکه آتش‌سوزی از بخش ایرانی آغاز شده، فعالیت‌های نفتی، خرابکاری یا باز کردن معبر توسط افرادی با اهداف غیرمعارف مطرح بود. فیلمی از این سفر موجود است که نشان می‌دهد آتش‌سوزی به دلیل خشکسالی رخ‌داده است. در آن بخش حتی قطره آبی وجود ندارد و دریاچه بزرگ «النهاده» کاملاً خشک شده است. به دلیل گرمای شدید هوا، دما دریاچه بزرگ در سایه بین ۵۰ تا ۵۲ درجه سانتی‌گراد متغیر است و در آفتاب به ۷۴ تا ۷۶ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. این دمای بالا که مستقیماً به زمین، پوشش گیاهی خشک و ریشه‌ها می‌تابد، باعث متصاعد شدن گاز متان و موجب آتش‌سوزی می‌شود. دقیقاً در همان بازه‌ای که این گزارش تهیه می‌شد، آتش از یک نقطه به هشت نقطه تبدیل شد. دودهایی که مشاهده می‌شوند و نقاطی که شروع به اشتعال می‌کنند، در اصل فرایند آتش‌سوزی ناقصند و به دلیل تراکم دود، آتش‌سوزی کامل رخ نمی‌دهد قاعدتاً به این نتیجه رسیده‌اند که این آتش‌سوزی‌ها خودبه‌خودی اتفاق می‌افتد و عامل انسانی در آن دخیل نیست؛ این فرایندی طبیعی است. البته نباید گفت این آتش‌سوزی‌ها در حال حاضر کاملاً طبیعی هستند؛ چراکه اگر به گذشته برگردیم، عامل انسانی نیز در آن دخیل بوده است. بحث سدسازی، انحراف آب، انتقال آب و فشارهای بیشتری که بر مسیر رودخانه‌ها، اراضی کشاورزی و توسعه کشت‌های پر مصرف وارد می‌شود، قاعدتاً مزید بر علت است.»
مدحجی در خصوص وضعیت آتش‌سوزی در تالاب گفت: «از طرف خودمان باید تدابیری بیندیشیم تا در زمانی که آتش‌سوزی سرایت می‌کند و به سمت ایران می‌آید، بخش هورالعظیم در کشورمان آبدار و مرطوب باشد تا این آتش‌سوزی‌ها به این سمت منتقل نشود. در همین راستا، یکی از دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت نیرو است، مکاتبات لازم را با سازمان آب و برق انجام داده‌ایم تا آب به‌گونه‌ای مدیریت شود و راه‌سازی موجی آب صورت گیرد، حتی اگر در مسیر به دلیل مصرف یا تبخیر، به‌صورت موجی آب‌بارد بالا بیاید، تا زمانی که آب به تالاب برسد و آن شرایط به سمت ایران اتفاق نیفتد، گفایت می‌کند.»

ایران ۱۰ تا ۲۰ درصد در تأمین نیاز آبی این بخش نقش دارد

مدحجی در ادامه بیان کرد: «در خصوص مذاکرات، ابتدای مردادماه، وزارت امور خارجه با پیگیری‌های سازمان محیط‌زیست، استانداری خوزستان و ستاد مدیریت بحران کشور، مذاکراتی با کشور عراق انجام داد. یکی از مشکلات این بود که مجوز پرواز هواپیمای آب‌پاش به کشور عراق گرفته شود. هواپیمای آب‌پاش در عصر روز سوم مردادماه در فرودگاه اهواز مستقر شد و طی دوروز عملیات اطفای حریق انجام داد و هفت سورتی پرواز انجام شد. البته این هواپیم محدودیت‌هایی دارد، به‌عنوان مثال، فقط می‌توانند در دمای حد اکثر ۴۴ درجه سانتی‌گراد پرواز کنند. در این مدت، با توجه به نقاطی که از طریق تصاویر ماهواره‌ای شناسایی شده بود، ابتدا پرواز شناسایی انجام شد و سپس آبریزی بر روی آن نقاط صورت گرفت.»
مدحجی در خصوص اقدامات صورت‌گرفته در ایام اخیر بیان کرد: «اقداماتی که گفته شده، اقدامات کوتاه‌مدت است. رهاسازی آب باید انجام شود تا قسمت عراقی که کاملاً خشک است، خیس شود. ما رهاسازی آب را از سد کرخه برای بخش ایرانی، یعنی هورالعظیم در نظر داریم. بخش عراقی که هور الهویزه نامیده می‌شود، باید احیا شود. بر اساس برنامه‌ریزی وزارت نیرو، ما این را در فروردین و اردیبهشت پیش‌بینی کرده بودیم و

فراتر از زبان، پیوندی با ایران

ژرف‌تر از تاریخ و روح ایرانی، به‌خوبی به یاد دارم در نخستین جلسه یکی از کلاس‌هایم، استاد با صدایی گرم و آرام شعر سعدی را خواند:
بنی‌آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نمانند قرار
و سپس دربارہ انسان‌دوستی و کرامت بشر صحبت کرد. همان لحظه در من جرقه‌ای زده شد؛ گویی این زبان و جهان‌بینی، از پیش برابم آشنا بود. آن تجربه به‌آغازگر مسیری شد که تا امروز ادامه یافته است. زبان کهن فارسی با پیشینه‌ای ژرف و گنجهینه‌ای از ادبیات درخشان، نقشی اساسی در تثبیت و پایداری ساختار فرهنگی و تمدنی ایران داشته است؛ از فردوسی که با سرایش شاهنامه بنیان‌های خودآگاهی تاریخی را بازآفرینی کرد، تا حافظ و سعدی که پیوندهای عاطفی و اخلاقی را در دل ایرانیان استوار ساختند. در کلاس‌های دانشگاه، هر واژه، ضرب‌المثل یا شعری که با آن مواجه می‌شدم، پنجره‌ای می‌گشود به اعماق فرهنگ و گذشته این سرزمین.
در کنار زبان، جغرافیای گسترده و طبیعت متنوع فلات ایران نقش چشمگیری در شکل‌گیری و پویایی این هویت ایفا کرده است. موقعیت خاص ایران در میانه شرق و غرب، آن را به گذرگاهی فرهنگی و اقتصادی بدل کرده و

آن‌ها نیز اعلام کردند برنامه‌های رهاسازی موجی را در طول شش ماهه دوم سال آبی، تا پایان شهریور انجام خواهند داد و در حال حاضر در برنامه داریم. قاعدتاً حقایبه باید از رودخانه دجله داده‌شود و این نیازمند برنامه‌ریزی است، زیرا ایران ۱۰ تا ۲۰ درصد در تأمین نیاز آبی این بخش نقش دارد. رایزنی‌هایی در این خصوص انجام می‌شود. روز گذشته طی هماهنگی آقای استاندار، پیشنهاد شد یک بازدید میدانی نیز از ایران انجام شود تا صحت‌سنجی صورت گیرد و رایزنی‌هایی برای مشاهده و برآورد آب انجام شود.»

بخش عراقی هورالعظیم نیز با خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کند

وی در خصوص وضعیت کشور عراق در ادامه گفت: «کشور عراق نیز مانند ماست؛ فاصله زیادی بین سد و خود تالاب دارند، مصارف در مسیر زیاد است و آنجا نیز با تنش آبی و خشکسالی مواجه هستند. باید این تصور را نیز داشته باشیم که در آنجا هزاران روستا در مسیر وجود دارد. من شخصاً آنجا رفتم و بازدید کردم؛ هم کپر وجود دارد، هم آغل، هم گاومیش و معاش مردم به این‌ها وابسته است. آن‌ها نیز با شرایط خشکسالی، تنش آبی و کم‌آبی دست و پنجه نرم می‌کنند. این یک مسئله فرامرزی است و در کشور دیگری اتفاق می‌افتد، همه چیز به تصمیم‌گیری کشور همسایه، یعنی عراق، بستگی دارد. همچنین، هر موردی که با آن‌ها هماهنگ می‌شود، قاعدتاً باید با رضایت آن‌ها باشد؛ یعنی هر اقدامی که در حوزه سرزمینی آن کشور انجام می‌شود. این وضعیت وابسته به تصمیماتی است که دولت‌مردان کشور عراق اتخاذ می‌کنند. گفته می‌شود که وزارت امور خارجه ما با ثبت «هورالعظیم» در کنوانسیون رامسر موافقت نمی‌کند؛ دلیل آن این است که اگر ما این تالاب را ثبت کنیم، طرف عراقی معتقد است که در رهاسازی آب، آن‌ها نیز نفع می‌برند.»

حقایه اصلی باید از دجله رهاسازی شود

مدحجی با اشاره به ثبت هورالعظیم در کنوانسیون رامسر بیان کرد: «تالاب مرزی با تالاب‌های دیگر تفاوت‌های بسیاری دارد بخشی از این تالاب در کشور ایران و دوسوم آن در کشور عراق قرار دارد. قاعدتاً دستگاه‌های مختلفی در این خصوص نظر داده و اعلام نظر می‌کنند. تاکنون سه جلسه با حضور دستگاه‌های اجرایی برگزار شده است. قاعدتاً یک سری موانع در این پروسه وجود دارد که سازمان (حفاظت محیط زیست) مرتباً در حال نامه‌نگاری است و نامه‌هایش را هم به ما منعکس می‌کند که چه اقداماتی را در حال انجام دادن هستند. قاعدتاً وزارت نیرو، وزارت امور خارجه و دستگاه‌های امنیتی و نظامی و انتظامی، سه رأس این پروسه هستند. ادعاهایی کشور عراق در این خصوص داشته که حدود ۲۰ درصد از حقایه این بخش عراقی تالاب باید از کرخه تأمین شود. منتها وزارت نیرو بر اساس مستنداتی که ارائه کرده، اعلام کرده که این میزان چیزی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بیشتر نیست. به صورت میانگین، حالا در یک سری از داده‌ها اعلام می‌شود ۱۲ و در یک سری از داده‌ها ۱۴ درصدش با ایران است که ایران این حقایه را دارد پرداخت می‌کند و به سمت بخش عراقی داده می‌شود.»

مدحجی در ادامه افزود: «این طور نتیجه گرفته شده که اگر سد کرخه، ۴ تا ۵٫۵ میلیارد متر مکعب آب داشته باشد، سدها و آب رودخانه دجله ۴ تا ۵ برابر این است. اگر بخواهیم نتیجه‌گیری کنیم، بیشترین نیاز آبی را باید از دجله به آن قسمت وارد کرد تا از کرخه. از طرف دیگر، حقایه بخش ایرانی تالاب چیزی بین ۷٫۴ تا ۱٫۸ میلیارد متر مکعب است. اگر ما این را بخواهیم به بخش ایرانی بدهیم، ۴۵ درصدش فقط

سازمان محیط‌زیست ایران با پیگیری‌های سازمان خوزستان، مذاکراتی با کشور عراق انجام داد

زمینه هم‌زیستی اقوام گوناگون با زبان‌ها و آیین‌های متفاوت را فراهم آورده است. سفرهایم به این دیار و تماشای چشم‌اندازهای شگفت‌انگیزش، در من احساس پیوندی جغرافیایی و عاطفی زنده کرد؛ گویی این سرزمین صرفاً موضوع مطالعه نبود، بلکه بخشی از تجربه زیسته من شد. ورود دین اسلام در قرن هفتم میلادی، دگرگونی ژرفی در ساختارهای فکری، اجتماعی و سیاسی ایران پدید آورد. آموزه‌هایی چون عدالت، همیاری و احترام متقابل، چهارچوب‌هایی نو برای هم‌زیستی اجتماعی فراهم کردند که در هویت فرهنگی امروز بازتاب یافته‌اند. از مفاهیم بنیادین در این منظومه فکری، «عزت ملی» جایگاهی خاص دارد؛ مفهومی که هم بازتاب افتخارهای تاریخی است و هم نیرویی برای ایستادگی در برابر چالش‌های داخلی و خارجی. این معنا در گفتار عمومی، در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و در حافظه تاریخی مردم حضوری مداوم دارد. در مقطع حساس و دشواری که ایران و منطقه با آن روبه‌رو بود، هویت ملی ایرانیان بیش از هر زمان دیگری به یک محور متحدکننده و نقطه اتکا برای جامعه تبدیل شد. در این دوره، همگان از گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه، چه فرهنگیان و روشنفکران، چه سیاستمداران و هنرمندان گردهم آمدند تا «عزت ملی» و «هویت تاریخی»

بخش ایرانی است. اگر بخواهیم دوبرابر این را به عراق بدهیم، دیگر چیزی در حوضه آبریز ما نمی‌ماند. با واقعیت تاریخی این ذخیره آب همخوانی ندارد، یعنی هر چقدر هم که بخواهیم تقسیم کنیم، آبی به این اندازه وجود نداشته و ندارد که بخواهد به آن قسمت تقسیم شود. بنابراین، ارقامی که بین ۱۰ تا ۲۰ درصد است صحیح‌تر بوده تا آن چیزی که گفته می‌شود.»

بهترین راه مقابله با آتش‌سوزی رهاسازی آب است

مدحجی در خصوص سه مرحله اجرای پیش رو گفت: «یکی از آن سه مرحله برنامه اجرایی که اکنون برای رفع آتش‌سوزی انجام می‌شود، ثبت تالاب در کنوانسیون رامسر است. یکی دیگر از این سه مرحله، تهیه برنامه جامع حفاظت و احیای تالاب توسط وزارت نفت است. در سه سناریو، یک سری اقدامات برنامه‌ریزی شده است؛ کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت. هر کدام از این‌ها یک سری برنامه زمانی برای‌شان تعیین شده است. بهترین راهش این است که آب‌رسانی انجام شود. یعنی اگر عراق قبول کند و این شرایط را داشته باشد که آب را رهاسازی کند، بلافاصله کل این پروسه، کل این دود و این‌ها متوقف می‌شود. این بستگی به تصمیم کشور عراق دارد. اگر بحث کوتاه‌مدت آن اطفاء هوایی است، قاعدتاً این نقاط اطفاء می‌شوند، دوباره ممکن است روشن شوند، دوباره ممکن است دود ایجاد شود. بعد یک سری عوامل آب و هوایی هستند مثل جهت وزش باد، سرعت وزش باد، نحوه وزش باد؛ این‌ها در انتشار دود خیلی مؤثر هستد. الان خود کشور عراق هم باز از این دودها متأثر می‌شود. قاعدتاً زمانی که بادها جنوبی می‌شوند، کشور عراق و روستاهای آنجا در حال حاضر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. حالا آن بازدید را انجام دادند و آن‌ها هم بالاخره آسیب دیده‌اند. این کارها بستگی دارد به رهاسازی آب. یعنی اگر رهاسازی آب انجام شود، بلافاصله این پروسه متوقف می‌شود.»

آتش به خاطر خشک شدن هورالعظیم است

همچنین محمد درویش، فعال محیط زیست در خصوص شرایط سخت مردم اهواز گفت: «آنجا به شدت هوا گرم است. به صورت طبیعی نیزارها آماده اشتعال هستند؛ یعنی کافی است یک تمسگبار بیفتد داخل نیزارها، کل نیزارها آتش می‌گیرد، مثل جنگل‌های ما در زاگرس که آتش می‌گیرد. الان قصه این است که نیزارها خشک شده‌اند، آن قسمت از حوضه‌جه که آب دارد و نیزارهای خیلی انبوه‌تری دارد آتش نمی‌گیرد. پس معلوم است که مشکل این است که ما حقایه را نادانیم. به همین دلیل کف نیزار خشک شده و به انبار کاه تبدیل شده است. حالا انبار کاه، به راحتی ممکن است آتش در آن شعلور شود.»

درویش در ادامه گفت: «مسئله دیگر این است که هیچ اراده‌ای وجود ندارد؛ یعنی هم در سمت ایران باید ۱٫۴ میلیارد متر مکعب حقایه به کرخه بدهند که نمی‌دهند، هم در سمت عراق باید ۲٫۵ میلیارد متر مکعب حقایه بدهند که آن‌ها هم نمی‌دهند و اصلاً می‌گویند: «چرا ما باید حقایه بدهیم؟ ایران باید حقایه بدهد!» دوسوم هورالعظیم در سمت عراق است و آن‌ها وسعت بزرگ‌تری دارند. ولی آن‌ها هم مثل ما که شرکت نفت رفته است و آن جا را پاک‌سازی کرده به بهانه توسعه میدان‌های نفتی با قیمت ارزان‌تر، بدتر از ما پاک‌سازی کرده‌اند. از زمان صدام تا حالا تلاش‌هایی در دولت عراق شکل گرفت، یک فشارهایی آوردند. از سمت ایران نیز خیلی فشار آوردیم، سازمان محیط زیست سرانجام درخواست ثبت هورالعظیم در بخش ایران را به کنوانسیون جهانی رامسر ارائه داد. خیلی عجیب است که بخش ایرانی که مهم‌ترین تالاب ماست، تا حالا هیچ اقدامی برای ثبتش نشده است. زمانی که برای ثبت اقدام کردیم، وزارت نیروی خودمان و وزارت خارجه ما با ثبتش مخالفت کردند و می‌گویند که: «نه، ما اگر این کار را بکنیم، آن وقت ممکن است دولت عراق بگوید بر اساس این ثبت شما باید به این آب بدهید و آن وقت دست ما را در مدیریت می‌بندد و چرا ما از حقمان گذریم؟»

درویش در خصوص وضعیت تالاب‌ها گفت: «سازمان محیط‌زیست رفته است برای مذاکره با سمت عراقی در این اوضاع که آتش‌سوزی را مهار کنند. یعنی گفته بودند اقدام کردیم اما کاری انجام نشده است. سازمان محیط‌زیست در آن کمیته‌ای که ریاست آن بر عهده استاندار خوزستان است، حضور دارد. استاندار خوزستان هم بد عمل نمی‌کند؛ یعنی هیئت عراقی آمد، حتی برای‌شان نمایش داده شد که اوضاع چطور است. حتی عکس ماهواره‌ای نشان داد این آتش‌سوزی از سمت عراق است. ولی چون جهت باد، جهت غالب باد از غرب به شرق است، دارد می‌آید سمت ایران و چند بار هم چند هواپیمار را هماهنگ کردند که یک آبی بر آتش بپاشند، ولی این اقدامات کافی نیست. یعنی این مسئله به این ترتیب حل نمی‌شود؛ یا باید یک ناوگان مجهز چندین مرتبه آب بریزد برای چند هفته، یا راه آسان‌تر این است که حقایه را رها کنند.»

سازمان محیط‌زیست ایران با پیگیری‌های سازمان خوزستان، مذاکراتی با کشور عراق انجام داد

پاسداری کنند. این وحدت و انسجام، نشان از توانمندی فرهنگ ایرانی در حفظ و تقویت خود در برابر فشارها و تهدیدهای داخلی و خارجی داشت. مقاومت فرهنگی و پایداری اجتماعی که در این دوران شکل گرفت، بار دیگر اثبات کرد هویت ملی نه‌تنها میراثی گذشته‌نگر، بلکه نیرویی پویا و رو به آینده است؛ نیرویی که می‌تواند در سخت‌ترین شرایط، جامعه را حول محور مشترکی گرد آورد و به سوی آینده‌ای روشن هدایت کند. تجربه‌های من این نکته را برابم روشن کرده‌اند که زبان و فرهنگ ایرانیان هم‌زمان حافظ گذشته و آفریننده آینده است. هر گفت‌وگو، هر شعر و هر ضرب‌المثل، قطعه‌ای از پازلی بزرگ‌تر است که ما را به درک هویت ملی ایران رهنمون می‌سازد. در جهانی پرتحول، با چالش‌های فزاینده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، چگونه می‌توان این هویت زنده و پویا را حفظ کرد؟ به باور من کلید پاسخ در پذیرش هویت به‌مثابه یک روایت زنده نهفته است؛ روایتی که در هر نسل بازنویسی می‌شود، با تجربه‌های تازه تغذیه می‌گردد و با زبان و فرهنگ به‌روز نشده، به حیات خود ادامه می‌دهد. فراتر از زبان، پیوندی با ایران شکل گرفت که نه‌تنها دانش، بلکه احساس و تعهد را با خود به همراه داشت.